



دکتر مهرداد ناظری

مسئولیت پذیری گامی بلند به سوی جامعه مدنی



در جامعه سنتی، حوزه تکالیف و مسئولیت‌ها در محدوده خانواده عنوان می‌شود، اما در جامعه مدرن یک شهروند نه تنها نسبت به خانواده بلکه نسبت به جامعه خویش نیز دارای وظایف و تعهداتی است. در واقع مسئولیت‌های فرد در قالبی وسیع‌تر از جامعه سنتی مطرح می‌گردد

اوست. اما در برابر این آزادی بی‌حد و حصر باید بدانند که در برابر هر عملی که انجام می‌دهد مسئول است. وقتی از او می‌پرسند حد این مسئولیت کجاست؟ می‌گوید انسان تا جایی آزاد است که در لحظه‌ای که خواست عملی را انجام دهد، باید مطمئن باشد که اگر هر کس دیگری جای او بود نیز همین کار را می‌کرد و اگر دچار شک و تردید شد که شاید حتی یک نفر در جهان این کار را نخواهد کرد، نباید آن کار را انجام دهد. در واقع اگر کسی به یک شهر دورافتاده سفر کرد و در آنجا احساس کرد که کسی او را نمی‌بیند و یا نمی‌شناسد، او می‌تواند زباله‌هایش را به رودخانه بریزد یا در وسط جاده پخش نماید، کافی است از خود بپرسد آیا هر کس دیگری هم جای من بود همین کار را می‌کرد؟ اگر احساس کرد حتی یک نفر را می‌توان یافت که این کار را انجام نمی‌دهد، پس او هم نباید این کار را انجام دهد. در واقع این بدین معنی است که آزادی هم دارای ملاک و معیاری مشخص است، معیاری که با

حقوق حقه خود رسیده است و می‌تواند در ساختارهای اجتماعی ترقی کند و بر عکس کسی که وظایفش را به درستی انجام نمی‌دهد، به مرور در این سیستم کارآمد، دچار افول می‌گردد. به عنوان مثال اگر یک نفر از دانشگاه در رشته مدیریت صنعتی فارغ‌التحصیل گردد، در یک کارخانه تولید خودرو مشغول به کار شود، و به مرور برای ارتقاء خود تلاش نماید، طبیعی است، در سیستم اجتماعی سالم او می‌تواند به بالاترین درجه مدیریتی صعود کرده و این یعنی اینکه ملاک رشد مسئولیت‌پذیری توجه و اهمیت به منافع فرد است. منافی است که در راستای منافع جامعه قرار گرفته و تعریف می‌شود. اما بالعکس اگر فردی احساس کند وظایف و تعهداتش را درست انجام می‌دهد، اما جایگاهش در جامعه روز به روز افول می‌کند و یا عده‌ای فرصت طلب می‌توانند به پایگاه‌های اجتماعی بالاتر صعود کنند، او دچار سرخوردگی شده و بعد از مدتی از زیر بار مسئولیت‌ها شانه خالی خواهد کرد. به نظر می‌رسد آنچه که ما به عنوان زرتنگ بازی انجام می‌دهیم و با تقلب و دروغ نیز همراه است، به این دلیل است که فرهنگ مسئولیت‌پذیری در جامعه رشد نکرده و افراد برای جبران آن و بالا رفتن از پله‌های ترقی باید به کنش‌های غیرمنطقی و ناسالم روی آورند. متأسفانه در بسیاری از کشورهای جهان سوم انتخاب مدیران بر اساس کارآمدی و مسئولیت‌پذیری صورت نگرفته و بیشتر شناختن فرد مورد نظر کارساز است. البته این یک روی سکه است. روی دیگر که مانع رشد کنش‌های منطقی و سالم می‌شود، از دست دادن فرصت‌ها و موقعیت‌ها برای فرد است. مثلاً فردی را تصور کنید که در مدرسه به او گفته می‌شود در راندگی نباید از چراغ قرمز عبور کرد یا خودروی شما نباید روی خط کشی عابر پیاده بایستد، اما فرد در جامعه می‌بیند که اگر بخواهد این قوانین را رعایت کند، حق مسلم او یعنی به موقع رسیدن به مقصد ضایع خواهد شد و دیگری که نقض قانون می‌کند، بهتر به نتیجه می‌رسند لذا او هم به این ایده می‌رسد که نباید قوانین را رعایت نماید و باید در زمره قانون‌گریزان قرار گیرد. اما سوالی که عموماً مطرح می‌شود این است که آیا با تعهدپذیری آزادی‌های افراد سلب نخواهد شد؟ ژان پل سارتر در این خصوص نظر جالبی ارائه می‌دهد. او معتقد است که انسان موجودی است که آزادی جزء جدایی‌ناپذیر

بدون شک یکی از ویژگی‌ها و شاخص‌های توسعه‌یافتگی، توجه به حس مسئولیت‌پذیری در میان کنشگران یک جامعه است. تصور کنید اگر مردم در جامعه‌ای نسبت به انجام کارها احساس تعهد و مسئولیت نداشته باشند و دولت هم از وظایف و تکالیفی که نسبت به مردم دارد سرباز زند، در نهایت چه اتفاقی خواهد افتاد؟ طبیعی است در چنین شرایطی سنگ روی سنگ بند نخواهد شد و هر کس فقط به فکر منافع آنی خود خواهد بود و پایه روابط سالم اجتماعی میان مردم با یکدیگر و با دولت دچار خدشه و تزلزل شده و دولت هم مشروعیت خود را از دست خواهد داد. در کشورهای پیشرفته از زمانی که شکل‌گیری مدرنیته کلید خورد تا زمان معاصر به این موضوع توجه شده است که پایه حقوق شهروندی بر اساس مفاهیمی نظیر حقوق، مسئولیت و تکوین جامعه مدنی استوار است. در واقع هویت انسان مدرن در حوزه‌ای فراتر از سطح خانواده تعریف می‌شود. در جامعه سنتی، حوزه تکالیف و مسئولیت‌ها در محدوده خانواده عنوان می‌شود، اما در جامعه مدرن یک شهروند نه تنها نسبت به خانواده بلکه نسبت به جامعه خویش نیز دارای وظایف و تعهداتی است. در واقع مسئولیت‌های فرد در قالبی وسیع‌تر از جامعه سنتی مطرح می‌گردد. در هر حال اگر در جامعه ایران، ما هنوز به کودکانمان تاکید نمی‌کنیم که زباله ریختن از شیشه انومبیل مثل آشغال ریختن در وسط اتاق نشیمن عملی زشت و ناپسند است، به این دلیل است که هنوز روند شکل‌گیری جامعه مدنی در ایران با دشواری‌هایی همراه است. گفته می‌شود یکی از مشکلات خانواده‌ها در ایران این است که این نهاد تا کنون نتوانسته کودکان را برای زندگی در یک جامعه مدنی تربیت نماید و وقتی کودک ما نداند که نقش او در جامعه تا چه حد تأثیرگذار و پررنگ است، طبیعی است که در هیچ زمینه‌ای احساس مسئولیت نمی‌کند. اگر بخواهیم با این مقدمه‌ای که گفته شد تعریفی ساده از مفهوم مسئولیت ارائه دهیم، می‌توان این گونه عنوان نمود که تعهد هر فرد در خصوص ایفای نقش‌هایی است که در یک جامعه بر دوش او گذاشته شده است و البته در ازای ایفای نقش، فرد می‌تواند از امتیازات و حقوق شهروندی برخوردار گردد. در واقع تفاوت یک فرد مسئول و فرد مسئولیت‌گریز در جامعه مدنی این است که اولی به

● **هم اکنون ایران در میان کشورهای جهان از لحاظ خشونت و نزاع های خیابانی جزء ۵ کشور اول محسوب می شود و این به آن دلیل است که سطح مسئولیت پذیری شهروندان نسبت به یکدیگر در حد پایین و قلیلی قرار دارد. در خیابان دو اتومبیل آخرین سیستم ۵۰ میلیونی بدون رعایت قوانین جلوی همدیگر می پیچند و این موضوع باعث درگیری و نزاع میان آنها می شود** ●

که باید دست هایش را به هم بمالد چون خاکی و کثیف شده. این کار یعنی تقویت اراده کودک در راستای ساختن فردای خود. در واقع فرهنگ ژاپن به ما می گوید که تعهد نتیجه انتخاب خود شماست نه شرایطی که در آن زندگی می کنید. یعنی انتخاب های یک فرد می تواند سرنوشت بهتر یا مطلوب تر یا ناگوار و نامناسبی را رقم زند. البته نمی توان از نقش دولت در این زمینه غافل ماند. مسئولیت پذیری پایه شکل گیری جامعه مدنی است و حداقل وظیفه دولت در این زمینه به رسمیت شناختن حقوق شهروندی است. ضمن اینکه بدون ایجاد تعهد در قلب و روح افراد هیچ نظمی پایدار نخواهد شد. اما نکته ای که بسیار حائز اهمیت است سطح و کیفیت مسئولیت می باشد که در دنیای امروز مهم و اساسی جلوه می کند. همان طور که در ابتدای این نوشتار گفتیم در جوامع سنتی حوزه مسئولیت در محدوده خانه و خانواده تعریف می شود اما در جامعه مدنی که افراد شهروندان جامعه جهانی هستند، مسئولیت جنبه جهانی و فرا ملی پیدا می کند.

و این شعر زیبای جبران خلیل جبران که می گوید: "جهان وطن من است و همه بشریت قبیله من"؛ می تواند شعار تک تک شهروندان جهان باشد. امروز ما با پدیده هایی نظیر گرم شدن زمین، سوراخ شدن لایه ازن، فقر جهانی و ... مواجه هستیم که بدون مسئولیت مدنی و جهانی تک تک شهروندان و دولت ها قابل حل و رفع نخواهد بود. مسئولیت پذیری هر چه در جهان امروز بالاتر باشد، به همان میزان رفاه، امنیت، آزادی، شادی و ... بیشتر و بیشتر در اختیار همگان قرار می گیرد. مسئولیت پذیری، ما را در برابر همه بشریت متعهد می سازد و این همان گفته زیبای کریشنا مورتی عارف هندی است که می گوید: «در برابر تمام خشونت های تاریخ بشری مسئول و گناهکار هستیم، چون برای عشق به هم نوع و دیگران کم تر تلاش نموده ایم.» به امید روزی که همه ما از مسئولیت دشوار انسان بودن سربلند بیرون بیاییم. ▲

مسئولیت پذیری را یاد بگیرند، و مردم مشاهده نمایند که قانون پذیران جایگاه شایسته تری نسبت به قانون گریزان دارند دیگر هیچ کس نقض قانون نکرده و در نهایت همه مردم به امنیت روحی و روانی بیشتری می رسند.

آنچه مسلم است این است که در زمینه ارتقای سلامت روانی، تعلیم و تربیت و تاکید بر آموزش های مدنی بسیار حائز اهمیت است. به یاد دارم که در دوران کودکی من، سرریالی تربیتی از تلویزیون پخش می شد که بسیار مورد توجه مردم، منتقدین و روشنفکران قرار داشت. هر چند که بسیاری از داستان های این سریال در ذهنم محو شده، اما به خوبی به یاد دارم که موضوع اصلی آن این بود که پدر و مادر ۲ نوجوان تصمیم می گیرند برای مدتی به این دو برادر فرصتی دهند تا آنها به تنهایی و به دور از والدین خود زندگی کنند. آنها در مکانی به دور از پدر و مادر زندگی مستقلی را آغاز می کنند و بدون آنکه خودشان بدانند پدر و مادر از دور توسط دوربینی، مراقب آنها هستند تا اتفاقی برایشان نیفتد و اگر دچار مشکل شدند والدین بتوانند به کمک آنها بشتابند. در قسمت های مختلف این سریال بچه ها با ماجراها و مشکلاتی روبرو می شوند که مجبورند با هم فکری و اراده خود مسائل و مشکلات را حل نمایند. آنچه در این سریال مورد توجه سازندگان اصلی آن بود این که ما باید کودکانمان را مسئولیت پذیر و با اتکا به نفس تربیت نماییم.

در ژاپن نیز برای تقویت این حس از کودکی به بچه ها تلقین می کنند که شما می توانید کارهایتان را به خوبی انجام دهید، شما سازنده آینده خود هستید. حتی وقتی کودکی به زمین می خورد، مادر و پدر هرگز او را از زمین بلند نمی کنند، آنها فقط به او نزدیک شده و می گویند بلند شو! وقتی کودک برخواست والدین با دست به او نشان می دهند

● **در ژاپن نیز برای تقویت این حس از کودکی به بچه ها تلقین می کنند که شما می توانید کارهایتان را به خوبی انجام دهید، شما سازنده آینده خود هستید. حتی وقتی کودکی به زمین می خورد، مادر و پدر هرگز او را از زمین بلند نمی کنند، آنها فقط به او نزدیک شده و می گویند بلند شو! وقتی کودک برخواست والدین با دست به او نشان می دهند که باید دستهایش را به هم بمالد چون خاکی و کثیف شده** ●

بار سنگین مسئولیت انسانی مشخص می گردد. اما از سوی دیگر اگر در جامعه ای افراد مسئولیت پذیر تربیت شوند، در آن صورت درصد ستیزه، خشونت و جدال بسیار پایین خواهد آمد. هم اکنون ایران در میان کشورهای جهان از لحاظ خشونت و نزاع های خیابانی جزء ۵ کشور اول محسوب می شود و این به آن دلیل است که سطح مسئولیت پذیری شهروندان نسبت به یکدیگر در حد پایین و قلیلی قرار دارد. در خیابان دو اتومبیل آخرین سیستم ۵۰ میلیونی بدون رعایت قوانین جلوی همدیگر می پیچند و این موضوع باعث درگیری و نزاع میان آنها می شود. در حالی که اگر شهروندان در خانواده و مدرسه

